

بررسی دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی عاملی درباره جعفر بن ابی طالب

اسدالله رحیمی^۱

چکیده

جعفر بن ابی طالب (ع) جزو پیشگامان در اسلام و از افراد شاخص در میان اصحاب رسول خدا (ص) است. ویژگی‌هایی مانند تعهد، ایمان استوار، عقل و درایت، شجاعت و بصیرت، هوشمندی و کیاست و بیان رسا و نافذ از او چهره تابناکی در میان یاران پیامبر اکرم (ص) ترسیم کرده است. منابع تاریخی، زندگی و نقش این شخصیت در دوره نبوی را تا حدودی گزارش کرده و در دوره‌های اخیر برخی پژوهش‌ها در مورد ایشان انجام شده است که از مهمترین آنها دیدگاه و تحلیل علامه سید جعفر مرتضی عاملی در این مورد است. از آنجاکه این تحلیل با نگاه انتقادی و نوآورانه همراه است بررسی آن در قالب طرح منسجم اهمیت و ضرورت جدی دارد. در پژوهش حاضر دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی عاملی درباره جعفر طیار به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شد. برخی از نتایج پژوهش عبارتند از: ایمان آوردن جعفر طیار که دومین مرد پس از امیرمؤمنان (ع) در ایمان آوردن بود، نشانه پیشگامی او در اسلام است. هجرت ایشان به حبشه نه به دلیل ترس از آزار قریش، بلکه برای اداره امور مهاجران و نمایندگی از رسول خدا (ص) در مواجهه و تعامل با دستگاه حکومتی حبشه بوده است. تبیین اقدامات فرهنگی پیامبر (ص) و ایجاد تحول روحی بزرگ در پادشاه آن سرزمین و درباریان و نفوذ فرهنگی و زمینه‌سازی پذیرش اسلام در آن دیار از مهمترین فعالیت‌های جعفر در سرزمین حبشه است. جعفر طیار در نظر رسول خدا (ص) شخصیت و جایگاه والایی داشت و ایشان اولین فرمانده در جنگ مؤته بوده است.

واژگان کلیدی: جعفر طیار، جعفر بن ابی طالب، جعفر مرتضی عاملی، بررسی و تبیین دیدگاه عاملی درباره جعفر طیار، هجرت به حبشه، مؤته.

۱. مقدمه

جعفر بن ابی طالب علیه السلام از چهره‌های نامدار صدر اسلام است که بارشادت و شجاعت کم‌نظیر در عرصه بیان و رزم، خدمات ارزشمندی برای نشر اسلام انجام داده است. او سومین پسر ابوطالب علیه السلام است که بیست سال قبل از بعثت در مکه متولد شد و در میان مردان، دومین فردی بود که پس از برادرش امیرمؤمنان علیه السلام اسلام آورد. وی بیش از ۱۰ سال سرپرستی مهاجران در سرزمین حبشه را برعهده داشت و در جنگ مؤته فرمانده لشکر بود که پس از جنگ و پیکار کم‌نظیر به شهادت رسید. باوجود جایگاه مهم جعفر در اسلام و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله او در میان بیشتر محققان عرصه تاریخ چندان مورد توجه نبوده و آن‌گونه که شایسته ایشان است به مجامع علمی معرفی نشده است. بااین‌وجود در دهه‌های اخیر برخی محققان اهتمام ویژه‌ای به این مسئله داشته و در پژوهش‌های خود تحلیل‌های ارزشمند و علمی از زندگی ایشان ارائه داده‌اند. یکی از اندیشمندانی که در این باره تحلیل‌های بدیعی ارائه کرده است، علامه جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه می‌باشد. ایشان در کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* علیه السلام به تفصیل از حیات اعتقادی، فکری و سیاسی او سخن گفته و نقش وی را در نشر اسلام به خوبی بررسی و تحلیل کرده است. مقاله حاضر درصدد است دیدگاه این محقق تاریخ را درباره جعفر بن ابی طالب بررسی کند و به این پرسش‌های پاسخ دهد: از منظر علامه، پیشگامی جعفر طیار در اسلام و نقش او در هجرت مسلمانان به حبشه، چگونه توصیف و تحلیل می‌شود؟ از نظر ایشان، سخنان جعفر طیار در مجلس نجاشی چه تحولی را در سرزمینی دور از اسلام ایجاد کرد؟ از نگاه علامه، جعفر طیار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه جایگاهی داشت و نقش او در جنگ مؤته چگونه تحلیل می‌شود؟ در مقاله حاضر، توصیف‌ها و تحلیل‌های ایشان در این زمینه به صورت منسجم و نظام‌مند بازخوانی و ارزیابی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

برخی از مهمترین پژوهش‌های انجام شده درباره جعفر طیار عبارتند از: کتاب *اکسیر اعظم*، تحقیقی جامع پیرامون شخصیت و نماز جعفر طیار (علی محمد بروجردی، ۱۳۹۳)؛ کتاب

پرنده بهشتی: نگاهی به زندگانی حضرت جعفر بن ابی طالب (ج) (جعفر طیار) (عباس تفکری آرائی، هادی آصفی، ۱۳۹۲)؛ کتاب زندگینامه حضرت جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) (محمدحسن مولوی نجفی، ۱۳۷۶)؛ کتاب جعفر طیار (ج)؛ مردی که اگر می بود (محمد مهدی معاریان، ۱۳۹۷)؛ کتاب فروغ ابدیت (جعفر سبحانی، ۱۳۸۵)؛ کتاب زندگی پرافتخار حمزه و جعفر؛ دو شهید ممتاز (محمد محمدی اشتهاودی، ۱۳۹۶)؛ مدخل جعفر بن ابی طالب در جلد ۱۸ دایره المعارف بزرگ اسلامی (علی بهرامیان، ۱۳۹۸)؛ مدخل جعفر بن ابی طالب در جلد ۱ دانشنامه جهان اسلام (ستار عودی، ۱۳۹۳) و مقاله واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب در کلام اهل بیت (ج) (هادی یعقوبزاده، نعمت الله صفری فروشانی، ۱۴۰۰ ه.ش).

اگرچه نمی توان از نظر فنی، موارد مزبور را جزو پیشینه تحقیق قلمداد کرد؛ زیرا هیچ یک دیدگاه علامه عاملی در این زمینه را بررسی نکرده است، اما از آنجاکه همه این پژوهش ها از نظر محتوا با هم تلاقی دارند اشاره به آنها ضروری بود. تحقیق حاضر از نظر نوع مسئله، هدف و ساختار، تفاوت و تمایز اساسی با پژوهش های قبل دارد.

۳. جعفر طیار در نگاه علامه عاملی

۳-۱. جعفر طیار دومین مرد پیشگام در اسلام

پیشگامی در اسلام از افتخارات بزرگ اصحاب پیامبر (ج) بود. اهمیت این مسئله تا حدی است که برخی تلاش کرده اند نام اولین مسلمان را از امام علی (ج) برابیند و به فرد مورد علاقه خود بدهند. (ابن تیمیه، ۱۳۰۶ ه.ق، ۱۵۵/۷) براساس برخی گزارش ها، جعفر بن ابی طالب، دومین فردی بود که پس از برادرش امام علی (ج) ایمان آورد (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۸۷/۱) اگرچه برخی منابع اسلام او را بیست و ششمین نفر ذکر کرده اند (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۵۹۲/۱). علامه جعفر مرتضی عاملی معتقد است که جعفر جزو اولین کسانی بود که ایمان آورد و اسلام او قبل از ابی بکر بوده است (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۶۷/۳). ایشان گزارش دوم را ادعای باطل می داند و منشأ این ادعا را فاصله زمانی میان بعثت و اسلام جعفر ذکر کرده است (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲۴/۲). به باور وی براساس برخی گزارش ها و شواهد، پس از بعثت پیامبر اکرم (ج) و ایمان آوردن امام علی (ج) و حضرت خدیجه (ج)، حدود سه تا پنج سال سپری شده و پس از گذشت این



زمان، جعفر و دیگران اسلام آورده‌اند. همین مسئله برخی را به این پندار واداشته است که ایمان جعفر را جزو افراد متأخر به شمار آورند، درحالی‌که در این فاصله زمانی، احدی جز امام علی (ع) و حضرت خدیجه (س) ایمان نیاورده بود (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۴/۲).

۲-۳. هجرت به حبشه و نقش جعفر طیار

در پی تشدید خشونت‌ها نسبت به مسلمانان در مکه، پیامبر اکرم (ص) در سال پنجم بعثت دستور داد که به سوی حبشه هجرت کنند. (ابن کثیر، ۱۳۶۹، ۱۷/۲، ابن کثیر، ۱۴۵۷ هـ.ق، ۷۲/۳) در میان مورخان اعتقاد بر آن است که هجرت به حبشه دو بار انجام شده است؛ بار اول، مهاجران شامل ده مرد و چهار زن بوده‌اند و بار دوم، گروه دیگری راهی حبشه شدند که تعداد مهاجران در قلمرو حکومت نجاشی به هشتاد مرد و نوزده زن رسید (ابن هشام، بی تا، ۱/۳۵۰، طبری، ۱۳۸۷، ۱۸۸۲/۳، بی‌هقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۴۹/۲). علامه عاملی بر این عقیده است که هجرت به حبشه فقط یک بار انجام شده است و همه مهاجران در همان هجرت واحد راهی حبشه شده‌اند. امیر این کاروان، جعفر بن ابی طالب بوده است که از بنی هاشم جز او در میان مهاجران حضور نداشته است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۴۵/۳). ایشان دلیل این مسئله را سخن رسول خدا (ص) بیان می‌کند که توسط عمرو بن امیه ضمری به نجاشی ابلاغ شد: «قد بعثت الیکم ابن عمی جعفر بن ابی طالب، معه نفر من المسلمین، فإذا جاؤک فأقرهم» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۴۵/۳، ابن کثیر، ۱۴۵۷ هـ.ق، ۸۳/۳، طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق).

درباره علت هجرت جعفر بن ابی طالب به حبشه، علامه معتقد است که هجرت ایشان به دلیل اذیت و آزار مشرکان مکه نبوده است؛ زیرا ابوطالب در مکه جایگاه والایی داشت و قریش از او حساب می‌بردند. از همین رو، نسبت به بنی هاشم با احتیاط برخورد می‌کردند. بنابراین، همراهی جعفر با مهاجران به دلیل رسالتی بود که پیامبر اکرم (ص) بر دوش او گذاشته بود و آن، امارت بر مهاجران و تدبیر امور آنها بود تا بر شئون آنها اشراف داشته و مانع ذوب شدن مسلمانان در جامعه و فرهنگ جدید شود (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۴۵/۳).

۳-۳. سخنان جعفر طیار در مجلس نجاشی منشأ تحولی بزرگ

پس از ورود مهاجران به حبشه، جعفر بن ابی طالب (ع) نماینده و سرپرست آنها دو نقش اساسی را ایفا می‌کرد: از سویی، تدبیر امور مهاجران و ایجاد انسجام و هماهنگی میان آنها

را برعهده داشت و ازسوی دیگر، با پادشاه حبشه و درباریان گفت و گو و پیام رسول خدا ﷺ را به آنها ابلاغ می کرد. هنگامی که نمایندگان قریش در حضور نجاشی به مسلمانان اتهام زدند و خواستار اخراج آنها شدند، جعفر بن ابی طالب ﷺ با بیان شیوا و رسا پاسخ محکمی ارائه کرد. ایشان در سخنان خود اقدامات فرهنگی رسول خدا ﷺ و نقش آن حضرت در تحول فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی را چنین بیان کرد: «ای پادشاه! ما قومی بودیم که در عصر جاهلیت، بت ها را پرستش می کریم، مردار می خوردیم، گرفتار فحشا و منکرات بودیم، با ارحام قطع رابطه داشتیم، به همسایگان آزار می رساندیم، توانمندانمان افراد ضعیف و ناتوان را می خوردند تا اینکه خدای متعال پیامبری را از میان ما برگزید که به نسبش آشنا بودیم و به صداقت و پاکی و امانت داری اش آگاهی داشتیم. او ما را به یکتاپرستی دعوت کرد و از ما خواست که از هرگونه شرک دوری کنیم، پرستش بت ها را رها کنیم، در سخن گفتن راست گو باشیم، در امانت خیانت نکنیم، صلہ رحم انجام دهیم، با همسایگان خوش رفتار باشیم، از هرگونه عمل حرام و خون ریزی پرهیز نماییم، از فحشا و سخن دروغ دوری گزینیم، اموال یتیمان را نخوریم و به ما فرمان داد که نماز بخوانیم و روزه بگیریم»^۱ (عاملی، ۱۴۲۶ هـ. ق، ۲/۲۴۵).

آنچه در کلام جعفر بن ابی طالب آمده است از سویی شدت انحطاط فرهنگی عصر جاهلیت را نشان می دهد و ازسوی دیگر، بیانگر این نکته است که پیامبر اکرم ﷺ در زمان

۱. «أيهما الملك، كنا قوما أهل جاهلية، نعبد الأصنام، ونأكل الميتة ونأتي الفواحش، ونقطع الأرحام، ونسئ الجوار، ويأكل منا القوي الضيف، فكنا على ذلك، حتى بعث الله إلينا رسولا منا، نعرف نسبه وصدقه وأمانته، وعفافه؛ فذاعنا إلى الله لئوحده، ونعبد، ونخلع ما كنا نعبد نحن وأبائنا من دونه، من الحجارة والأوثان. وأمرنا بصدق الحديث وأداء الأمانة، وصلة الرحم، وحسن الجوار، والكف عن المحارم والدماء، ونهانا عن الفواحش، وقول الزور، وأكل مال اليتيم، وقذف المحصنات، وأمرنا أن نعبد الله وحده، لا نشارك به شيئا، وأمرنا بالصلاة، والزكاة، والصيام...». در سیره ابن هشام این روایت از ام سلمه نقل شده است که خود جزو مهاجران و شاهد ماجرا بوده است. در این گزارش آمده است که نمایندگانی از قریش به حضور نجاشی رسیدند و از مسلمانان بدگویی کرده و خواستار بازگرداندن آنها شدند. نجاشی آنها را در جلسه احضار کرد و از علت خارج شدن شان از آیین قریش پرسید. جعفر در جواب به بیان این موضوع اشاره کرد. ادامه گفت و گو در سیره ابن هشام چنین بیان شده است که جعفر به سخنانش ادامه داد و مسائلی از اسلام را بر شمرد و پس از آن این گونه خطاب کرد: «فصنقناه وأمثا به، واتبعناه على ما جاء به من الله، فعبدا لله وحده، فلم نشارك به شيئا، وحزمتا ما حزم علينا، وأحللنا ما أحل لنا، فعدا علينا قومنا، فعذبونا، وفتنونا عن ديننا، ليردونا إلى عبادة الأوثان من عبادة الله تعالى، وأن نستحل ما كنا نستحل من الخبائث، فلما قهرونا وظلمونا وضيّقوا علينا، وحالوا بيننا وبين ديننا، خرجنا إلى بلادك، واخترناك على من سواك، ورجينا في جوارك، ورجونا أن لا نظلم عندك أيها الملك. قالت: فقال له النجاشي: هل ملك مما جاء به عن الله من شيء؟ قالت: فقال له جعفر: نعم، فقال له النجاشي: فأقرأه علي، قالت: فقرا عليه صدرا من: «كهيمص». قالت: فبكى والله النجاشي حتى اخضلت لحيته، وبكت أساقفته حتى اخضلوا مصاحفهم، حين سمعوا ما تلا عليهم، ثم قال (لهم) النجاشي: إن هذا وألدى جاء به عيسى ليخرج من مشكاة واحدة؛ ما به رسول خدا ﷺ ایمان آوردیم و مورد تصدیق قرار دادیم و هرآنچه از جانب خدا آورده بود، تبعیت کردیم. پس به پرستش خدای واحد پرداختیم و چیزی را شریک او قرار ندادیم و هرچه را ایشان حرام اعلام کردند، حرام شمردیم و آنچه را حلال فرمود، ما نیز حلال دانستیم. از این رو، قوم ما (قریش) راه دشمنی با ما را در پیش گرفتند و ما را مورد ستم و هتک قرار دادند؛ تا ما را از دین مان برگردانند و به پرستش بت ها و اداری کنند و به همان خباثت دوران جاهلی بیاورند. زمانی که بر ما چیره شدند و ستم روا داشتند و بر ما سخت گرفتند و میان ما و وظایف دینی مان فاصله انداختند به قلمرو حکومت تو پناه آوردیم و از میان حاکمان، تو را انتخاب کردیم، بدان امید که در پناه تو از ستم رهایی یابیم. نجاشی به جعفر خطاب کرد که اگر چیزی از وحی منزل از جانب خدا به یاد دارد، قرائت کند. جعفر آیات اول سوره «كهيمص» را قرائت کرد و نجاشی از شدت تأثر گریه کرد، تا جایی که اشک هایش بر محاسنش جاری شد و اسقف ها نیز گریه کردند، به قدری که مصحف ها از اشک چشم شان خیس شد پس از آن نجاشی چنین گفت: این آیات و آنچه را عیسی ﷺ آورده است، از یک نور سرچشمه می گیرند» (ابن هشام، بی تا، ۲/۲۴۸).



اندک و با همه موانع و دشمنی های قوم جاهلی چه تحول بنیادینی را در حوزه فرهنگ و باورهای مردم ایجاد کرده است و با بهره گیری از همه ابزارهای ممکن، به سرعت این تحول عمیق فرهنگی و اعتقادی را در جامعه گسترش داده و از جامعه جاهلی و گرفتار در زنجیرهای عصبیت و جهالت، جامعه توحیدی مترقی ساخته است. موفقیت رسول خدا ﷺ در این مورد به اندازه ای بوده است که در زمان بسیار کوتاه، شاگردانی مثل جعفر را در دامن مکتب اسلام تربیت کرد که کلام الهی این چنین در جانش نفوذ کرده که وقتی با ایمان و اعتقاد راسخ، آیات قرآن را تلاوت می کند جان های تشنه حقیقت را به تلاطم وامی دارد. تأثیر کلام جعفر بر نجاشی تاحدی بود که به دست جعفر مسلمان شد و به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورد و زمانی که نجاشی از دنیا رفت، رسول خدا ﷺ در مرگ او گریه کرد و از راه دور بر او نماز خواند. براساس برخی نقل ها، خدای متعال زمین را برای رسولش هموار کرد به گونه ای که جنازه نجاشی را در حبشه دید. (عاملی، ۱۳۲۶ هـ.ق، ۱۷/۵۴، ابن ابی جمهور، ۱۳۱۰ هـ.ق، صدوق، ۱۳۰۴ هـ.ق، ۲/۲۵۲)

از نظر علامه مرتضی عاملی، کلام جعفر بن ابی طالب در مجلس نجاشی به اندازه ای معتبر بود که دلیلی بر اثبات حکم شرعی قرار می گیرد. ایشان معتقد است که یکی از دلایل وجوب زکات در مکه، همان سخن جعفر بن ابی طالب است که در حضور نجاشی ایراد کرد و در آن به طور صریح، یکی از دستورات پیامبر اکرم ﷺ را زکات بیان کرد. (عاملی، ۱۳۲۶ هـ.ق، ۵/۱۹۰-۱۹۲) وی در پاسخ به این شبهه که ممکن است داستان جعفر و پادشاه حبشه جعلی باشد، زیرا در این گفت و گو از وجوب روزه اسم برده شده است در حالی که روزه بعد از هجرت واجب شده است، می فرماید: «اساساً چرا این سخن جعفر خود دلیلی بر وجوب روزه در مکه نباشد؟ با آنکه براساس صریح آیه قرآن (ر.ک، بقره: ۱۸۳) روزه بر امت های پیشین نیز تشریع شده بود و از گذشته به صورت یک تکلیف شرعی وجود داشته است» (عاملی، ۱۳۲۶ هـ.ق، ۵/۱۹۰-۱۹۲).^۱

۳-۴. اهمیت شخصیت جعفر بن ابی طالب در نگاه پیامبر اعظم ﷺ

رسول خدا ﷺ پیش از آنکه به سوی خیبر حرکت کند فردی را به حبشه اعزام کرد و از

۱. می توان به گونه ای پاسخ داد که اصل اشکال مخدوش گردد. بدین معنا که در دو منبع یعنی تفسیر قمی (ر.ک، ۳۴۷، ۷۷۸) و اعلام السوری (۱۳۱۷ هـ.ق، ص ۴۴) و برخی منابع اهل سنت مانند البدایه والنهایه (۱۳۰۷ هـ.ق، ۶۷۳) و عیون الاثر (۱۳۱۳ هـ.ق، ۱۳۸/۱)، واژه «صیام» به کار نرفته است. بنابراین، اصل اشکال به عنوان یک امر مسلم و مفروض، قابل اثبات نیست و دست کم مورد تردید است.

نجاشی خواست که جعفر و همراهانش را به مدینه بفرستد. نجاشی با رسیدن پیام آن حضرت، جعفر و همراهانش را با اعطای لباس های نیکو و تجهیزات کامل سفر با سوار شدن بر دو کشتی به مدینه فرستاد. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۲۹۷/۱۸، ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۲۰۸/۱، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۳۰/۴۵) کاروان جعفر بن ابی طالب زمانی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید که خیبر فتح شده بود. حضرت، ابورافع را به استقبال جعفر فرستاد و خود نیز هیجده گام به استقبالش رفت و او را در آغوش گرفت (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹۰/۵-۱۹۲، ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۳۳/۱۹).

درباره اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ملاقات جعفر چه سخنی به او فرمود علامه عاملی سه قول را نقل می کند: گزارش اول که مشهور است و در منابع متعدد ذکر شده، چنین است: «لا أدري بأيهما أنا أشد فرحاً (أو أستر، أو أشد سروراً) بفتح خبير؟ أو بقدم جعفر؟». (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸، ابن هشام، بی تا، ۱۹۷۳، یعقوبی، بی تا، ۵۶/۲، طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۱۰/۱). در گزارش دوم آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دیدگان جعفر را بوسید و گریه کرد و چنین فرمود: ما أدري بأيهما أنا أشد (سروراً) فرحاً، بقدمك يا جعفر، أم بفتح الله على أخيك خبير» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸، صدوق، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۸۴/۲). در روایت سوم چنین آمده است: «يا جعفر يا أخ، ألا أحبك؟ ألا أعطيك؟ ألا أصطفيك؟ فقال جعفر: بلى فذاك أبى وأمى، فعلمه صلاة التيسيع» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸، سید ابن طاووس، ۱۳۳۰، مجلسی، ۱۴۲۳ هـ.ق).^۱ علامه پس از نقل این گزارش ها آنها را تحلیل می کند و در چند نکته، دیدگاه خود را ارائه می دهد که عبارتند از:

اهمیت فتح خیبر: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی سخت تر از جنگ خیبر وجود نداشت؛ زیرا با بغاوت شدید عرب مواجه بود. (صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۴۶۲/۲) فتح خیبر برای مسلمانان بسیار مهم و سرنوشت ساز بود و در دل های دشمنان اسلام در تمام جزیره العرب هراس انداخت و امید آنها را به یأس تبدیل کرد. پیروزی در این جنگ، قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی مسلمانان را بالا برد و موجب نفوذ اسلام در میان قبایل و افزایش هم پیمانان شد. همچنین از شر دشمنی خبره در فتنه افکنی، شبهه افکنی و فنون نظامی رهایی یافت. پس از این پیروزی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فراغتی به دست آورد تا بیشتر به تربیت دینی مردم اهتمام ورزد و میزان آگاهی مردم از آموزه های دینی را

۱. این نماز، به نماز جعفر طیار مشهور است و علامه مجلسی سند این روایت را معتبر دانسته است (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ص ۳۲).

بالا ببرد. فتح خیبر زمینه ساز گسترش اسلام و متمایل شدن ده ها هزار نفر به اسلام شد و

جبهه دشمن را روزه روزه تضعیف کرد (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۸/۲۹۳).

اهمیت دستاورد جعفر؛ با همه اهمیت و آثار فتح خیبر، اما بازگشت جعفر از حبشه چنان ارزشمند بود که رسول خدا ﷺ آن را در درجه پیروزی با فتح خیبر یکسان دانست و بلکه ارزش بالاتری برای آن قائل شد. در نگاه پیامبر ﷺ قدوم جعفر، اهمیت کم نظیری دارد و از اموری است که موجبات خرسندی فراوان رسول خدا ﷺ را فراهم کرده است.

علامه در بررسی این مسئله، تحلیل خود را بر این نکته متمرکز کرده است که قدوم جعفر، کدام ویژگی را داشته که اهمیت آن برای پیامبر ﷺ به اندازه فتح خیبر یا بالاتر از آن بوده است. با اینکه در این جنگ، جهاد عظیمی صورت گرفته، شهدای زیادی در این راه تقدیم شده و آثار فراوانی برای اسلام و مسلمانان داشته است. نکته مهم این است که رابطه نسبی و قرابت جعفر، دلیل این اهمیت نیست. در سخن رسول خدا ﷺ سلامت جسمی جعفر و قدوم همراهان وی دلیل خوشحالی ایشان بیان نشده است. بنابراین، آنچه موجب ارزش والای جعفر شد عظمت روحی، طهارت نفس، اخلاص و بندگی او بوده است که از ایشان انسان الهی خاص ساخته بود. دلیل این مسئله، گواهی قرآن است که درباره پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ما یطق عن الهوی» (نجم: ۳). ایشان به حکم اینکه پیامبر است مجاهدت مسلمانان، شهادت برخی یاران و دستاورد عظیم فتح را بدون دلیل با قدوم جعفر مقایسه نمی کند و صرف قرابت خاندانی و ویژگی هایی مانند شجاعت، فراست و... نمی تواند مبنای چنین سخنی باشد، بلکه میزان ارزش و قیمتی که جعفر نزد خدای متعال دارد موجب این مقایسه شده است. ویژگی که در جعفر وجود داشت و او را ارزشمند کرده بود جنبه الهی و معنوی او بود که حقایق اسلام در عمق وجود و ذات او تجسد یافته بود به گونه ای که این حقایق در عقلانیت، اخلاق و رفتار او بروز و ظهور داشت و تمام وجودش فانی در اسلام بود (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۸/۲۹۳).

علامه مرتضی عاملی در ادامه تحلیل خود به این نکته اشاره می کند که تعالی روحی و تکامل معنوی جعفر بن ابی طالب موجب شده بود که کار فرهنگی عظیمی را در بلاد دوردست به ثمر رساند و زمینه های گسترش اسلام را در مایل ها دورتر از مهد اسلام فراهم

کند. او بود که با نفوذ کلام توانست پادشاه حبشه را به آیین اسلام مشرف سازد. روشن است که اسلام آوردن پادشاه حبشه در مقام بالاترین جایگاه سیاسی و حکومتی می‌توانست تأثیر عمیقی در تمایل دستگاه حکومتی و توده مردم به اسلام داشته باشد. باتوجه به اینکه جعفر نماینده گروهی بود که توسط مشرکان قریش از وطن خود رانده شده و در فاصله بسیار زیادی در قلمرو حکومت بیگانه پناه برده بودند، نوع مواجهه او با پادشاه و دربار حکومتی و شیوه بیان و سخن گفتن باید با دقت، ظرافت، هوشمندی و نفوذ و اثر معنوی فراوانی همراه باشد تا چنین موفقیت‌های را در پی داشته باشد. (عاملی، ۱۴۲۶ ه. ق. ۱۸/۲۹۳)

مشارکت جعفر در فتح خیبر؛ اگرچه روایت متداول همان گزارش اول است، اما گزارش دوم، مشتمل بر نکات مهمی است که از دقت نظر محققان پنهان مانده است: نخست اینکه، نسبت دادن فتح به خدای متعال، تکریم افزون برای علی علیه السلام به شمار می‌آید؛ زیرا اراده الهی برای فتح در وجود امام علی علیه السلام تجسد یافته که نشانگر اوج اخلاص و فداکاری حضرت است. دوم اینکه، خطاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر با عبارت بهجت، لذت و آرامش خاصی به او اعطا می‌کند. چنین تکریمی نسبت به امام علی علیه السلام نوعی عزت بخشی به جعفر نیز به شمار می‌آید. سوم اینکه، تصریح به برادری امام علی علیه السلام نسبت به جعفر، نشانه نوعی مشارکت او در فتح خیبر است؛ زیرا رابطه برادری و تصریح به این مقوله در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و محض بودن امام علی علیه السلام و جعفر در مسیر رضایت الهی، انتساب فتح را به جعفر نیز موجه می‌کند (عاملی، ۱۴۲۶ ه. ق. ۱۸/۲۹۳).

۳-۵. جعفر طیار فرمانده نخست جنگ مؤته

جنگ مؤته (منطقه‌ای در شام) در سال هشتم هجرت و در مصاف با رومیان رخ داد. علت این جنگ، کشته شدن پیک رسول خدا صلی الله علیه و آله (حامل نامه حضرت به پادشاه بصری) توسط شرحبیل بن عمرو غسانی حاکم سرزمین مؤته بود. در این جنگ، سه تن از فرماندهان سپاه اسلام شهید شدند و مسلمانان به مدینه بازگشتند. (عاملی، ۱۴۲۶ ه. ق. ۱۹/۲۷۶) درباره اینکه ترتیب فرماندهان جنگ چگونه بود، بیشتر محدثان اهل سنت این‌گونه نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله زید را فرمانده سپاه قرار داد و فرمود: «اگر زید کشته شد، جعفر بن ابی طالب علیه السلام فرمانده بعدی خواهد بود و اگر او نیز کشته شود عبدالله بن رواحه عهده‌دار رهبری سپاه می‌باشد و



پس از او هرکسی مورد رضایت سپاه بود فرماندهی را برعهده گیرد» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹، ابن ابی الحدید، ۱۴۴۴ هـ.ق، ۶۱/۱۵، ابن کثیر، ۱۴۵۷ هـ.ق، ۲۴۱/۴، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۸/۲).

در پی این گزارش چنین نقل کرده‌اند که جعفر امارت زید را بر خود برنتابید و به رسول خدا ﷺ اعتراض کرد. حضرت فرمود: «تو نمی‌دانی خیر در چیست» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۴/۳، بیهقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۶۷/۴، طبری، ۱۳۸۷، ۴۱/۳). علامه مرتضی عاملی نخست، اعتراض جعفر به اقدام پیامبر اکرم ﷺ را بررسی نموده و پس از آن اصل امارت زید بر جعفر را به چالش می‌کشد و شواهد کافی ارائه می‌کند که امیر اول جنگ مؤته جعفر بن ابی طالب بوده است. درباره نکته اول، ایشان بر این باور است که چنین انتسابی به جعفر کذب است و در راستای تخریب شخصیت ایشان جعل شده است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). شواهدی که این مسئله را تأیید می‌کند عبارتند از: نخست اینکه شأن جعفر فراتر از آن است که نسبت به دستورات رسول خدا ﷺ نافرمانی کند و چنین حکمی را فاقد صواب و عدالت بداند. سخنان حضرت درباره ایشان، اطاعت و انقیاد کامل او را به خوبی آشکار می‌کند. دوم اینکه، نص عبارت به دو صورت نقل شده است که دو معنای مختلف دارد. در یکی از آنها از شخص جعفر چنین نقل شده است: «ما كنت أذهب أن تستعمل عليّ زيدا؛ باکی ندارم از اینکه زید، امیر من باشد» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۴/۳، ابن ابی شیبه، ۱۴۲۲ هـ.ق، صالحی شامی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۴۵/۶، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۷/۲). این عبارت دلیل بر آن است که جعفر امارت زید را پذیرفته است. در نص دیگر این گونه آمده است: «ما كنت أذهب أن تستعمل عليّ زيدا» (ابن اثیر، ۲۳۴/۲، طبری، ۱۳۸۷، ۴۱/۳) که نشانگر تمرد از دستور پیامبر ﷺ است. به نظر می‌رسد در اینجا به طور عمدی یا سهوی، تصحیف و غلط چایی و نگارشی صورت گرفته است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). سوم اینکه، فرمانده اول جنگ مؤته، شخص جعفر ﷺ بوده است نه زید، اگرچه بیشتر محدثان اهل سنت گفته‌اند که پیامبر اکرم ﷺ زید را امیر اول قرار داد، سخن درست این است که فرمانده اول، جعفر بوده است همان گونه که شیعه بر این نظر است. به گفته ابن ابی الحدید، محدثان سنی اتفاق دارند که فرمانده اول، زید بوده است، اما شیعه این ادعا را انکار می‌کنند و معتقدند که فرمانده اول، جعفر بن ابی طالب ﷺ بوده است. مستند شیعه روایاتی است که در این زمینه نقل کرده‌اند و در کتاب مغازی و اقدی، شواهدی بر قول شیعه یافت می‌شود (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۶۰/۱۵).

شواهدی که این نظر را تأیید می‌کنند عبارتند از: روایاتی که ابن ابی الحدید به آنها اشاره کرده و از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است. این روایات در حدی است که سید شرف الدین در این زمینه گفته است: «إن أخبارنا في هذا متظافرة، من طريق العترة الطاهرة» (شرف الدین، ۱۴۴ هـ.ق. ص ۸۵). همچنین براساس نقل ابن سعد، ابی عامر که شاهد جنگ مؤته بوده چنین گزارش می‌کند: «اول بار جعفر پرچم را برداشت و به دشمن حمله کرد تا به شهادت رسید، پس از او زید پرچم را برداشت» (ابن سعد، ۱۴۵ هـ.ق. ۱۲۹/۲). یعقوبی نیز هردو نقل را ذکر می‌کند، اما نظر خود را چنین بیان می‌کند: «وجه جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه فی جیش الی الشام» (یعقوبی، بی تا، ۶۵/۲). این عبارت در تأیید دیدگاه شیعه ظهور دارد. همچنین از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعفر را امیر قرار داد، پس از او زید و پس از زید ابن رواحه را فرمانده تعیین کرد (طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق. ص ۱۱۰، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹/۱، ۲۵۸/۱، محسن امین، ۳۲۴/۲، ۱۴۳). شیخ طوسی نیز گفته است که گزارش‌ها در این زمینه مختلف هستند. برای تأیید دیدگاه شیعه به شعر حسان بن ثابت تمسک شده است (طوسی، ۱۳۸۲/۱، ۲۲۷/۱). همچنین شعر حسان بن ثابت که ابن ابی الحدید به آن اشاره کرده است در بخشی از آن چنین آمده است: «فلا یبعذن الله قتلی تتابعوا/ مؤتة، منهم ذو الجناحین جعفر و زید، و عبدالله، حیث تتابعوا؛ از رحمت خدا دور نباشند شهیدانی که پی هم در مؤته به قتل رسیدند/ از جمله آنها جعفر (صاحب دواب)، زید و عبدالله بودند که یکی پس از دیگری شربت شهادت نوشیدند» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق. ۱۹/۲۲۶، ابن هشام، بی تا، ۲۶/۴، ابن ابی الحدید، ۱۴۴ هـ.ق. ۶۳/۱۵). در این شعر، به ترتیب و پی هم بودن جعفر، زید و ابن رواحه تصریح شده و در ادامه آن آمده است که رهبر و فرمانده آنها فرد عالی رتبه از بنی هاشم بوده است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق. ۱۹/۲۲۶). در بخشی از مرثیه کعب بن مالک انصاری برای شهدای مؤته نیز آمده است: «فضوا امام المسلمین یقودهم فتی علیهن الحدید المرفل إذ یمتدون بجعفر و لوائه/ قدام أولهم فنعم الأول حتی تفرجت الصفوف و جعفر/ حیث التقی و عث الصفوف مجدل؛ آنها پیشاپیش مسلمانان همانند شترهای نر پوشیده از زره آهنی در حرکت بودند. جعفر پرچم به دست پیشاپیش همه قرار داشت و صفوف دشمن را می شکافت و پس از آنکه صف‌های مقاوم را شکافت، نقش زمین شده» (ابن هشام، بی تا، ۲۷/۴، ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ابن ابی الحدید، ۱۴۴ هـ.ق. ۶۳/۱۵). در این اشعار نیز ترتیب فرماندهان به صراحت بیان شده و جعفر را اولین و بهترین امیر و پرچمدار می‌دانند



(عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). از انس بن مالک نقل شده است که رسول خدا ﷺ خطبه‌ای خواند و درحالی که اشکش جاری بود، چنین فرمود: «جعفر پرچم را برداشت و کشته شد، سپس زید پرچم را گرفت و کشته شد و پس از او، ابن رواحه پرچم را برداشت و کشته شد. آنگاه علی علیه السلام رو به طرف مؤته کرد و فرمود: 'با آنها چنین بیعت شده بود که اگر جعفر علیه السلام شهید شد، امیر شما زید خواهد و اگر زید به شهادت رسید ابن رواحه امیر شما خواهد بود'» (قاضی نعمان، ۱۴۶۱ هـ.ق، ۲۶/۳). همچنین در گزارشی از ابن عباس و عبدالله بن جعفر خطاب به معاویه تصریح شده است که رسول خدا ﷺ جعفر را امیر همه سپاه قرار داد و پس از او زید و پس از زید، ابن رواحه را تعیین کرد» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹، سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۸۴۴/۲، سید بن طاووس، ۱۴۲۰ هـ.ق). در احتجاجی که امام حسن علیه السلام با معاویه داشته است به امارت جعفر بر همه سپاه تصریح شده است و پس از او از زید و ابن رواحه اسم برده شده است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹، طبرسی، ۱۳۸۶/۲، ۲۸۷).

افزون بر موارد مطرح شده از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ در شرایط سخت و دشوار، اهل بیت خود را پیشگام مرگ می‌کرد و با سپر قرار دادن آنها از جان اصحاب خود محافظت می‌کرد چنان‌که در جنگ بدر، عبیده به شهادت رسید، در جنگ احد حمزه و در جنگ مؤته، جعفر پیشگام شهادت شدند. (شریف رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق) نکته دیگر اینکه اگر جعفر با زید مقایسه شود نشان از برتری جعفر از نظر هوش، تدبیر، سیاست، شجاعت و... دارد. این برتری هم در رفتار جعفر مشهود است و هم در بیانات رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به آن تصریح شده است تا جایی که امیرمؤمنان علیه السلام جعفر را جزو هفت نفری ذکر کرده است که مانند آنها در زمین خلق نشده است (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵).

پیامبر اکرم ﷺ به حکم اینکه پیامبر است و به حکم اینکه در امور جنگی بهترین گزینه‌ها را انتخاب می‌کند، می‌بایست جعفر را در رأس امور قرار داده باشد (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹).^۱

باتوجه به نکاتی که بیان شد تردیدی باقی نماند که فرمانده و امیر اول در جنگ مؤته جعفر بن ابی طالب علیه السلام بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد دست‌هایی در کار بوده است

۱. در کتاب احتجاج (۱۳۸۶ هـ.ق، ۲۸۶/۲) این سخن از ابن عباس نقل شده است که امام حسن علیه السلام، معاویه را خطاب قرار داد و در بخشی از سخنان خود، جعفر را فرمانده اول سپاه جنگ مؤته اعلام کرد.

۲. شاهد دیگری که می‌توان بر شواهد فوق افزود، مقایسه شیوه نبرد جعفر و زید است. شیوه جنگی جعفر به لحاظ عزم و اراده محکم، اظهار هجاعت، عدم رویگردانی از دشمن و تحمل همه زخم‌ها از ناحیه صورت و... نشان از برتری جعفر برای فرماندهی دارد؛ چیزی که درباره زید گزارشی نشده است.

تا حقیقت را مشوش جلوه دهند و گویا برادری جعفر با امام علی علیه السلام جرمی بوده است که دست تزویر در صدد لوٹ کردن تاریخ برآمده است. رد پای این مسئله آنجا بیشتر آشکار می شود که حتی عایشه ادعا کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیچ جنگی زید را نفرستاد جز اینکه او را امیر لشکر قرار داد و اگر زنده می ماند، پیامبر صلی الله علیه و آله او را جانشین خود قرار می داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۳۷۲، عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹)

براساس گزارش ها، جعفر بن ابی طالب علیه السلام در جنگ مؤته رشادت کم نظیری از خود نشان داد و با ایمان راسخ و شجاعت تمام به مصاف دشمن رفت و تا پای جان با آنها جنگید. ترسیم پایداری و چگونگی شهادت ایشان در منابع از سویی نشانگر اوج اخلاص، فداکاری، شجاعت و استقامت اوست و از سوی دیگر، بسیار دردناک و تأثیر انگیز است. شیوه جنگیدن و شهادت جعفر، همگونی بسیاری با شهادت حضرت عباس بن علی علیه السلام در کربلا دارد. هنگامی که با دشمن مواجه شد پرچم را برافراشته نگه داشت و با آن حال می جنگید تا اینکه یکی از دستانش بریده شد. بلافاصله پرچم را با دست دیگر بالا برد و همچنان در برابر دشمن پابرجا مقاومت می کرد. در این گیرودار، دست دیگرش نیز قطع شد. در این حال با قسمت باقی مانده دست ها پرچم را در سینه نگه داشت و با دشمن درگیر بود تا اینکه به شهادت رسید (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۵/۲۰، ابن هشام، بی تا، ۲۶/۴).

رشادت کم نظیر جعفر در این جنگ در حالی بود که روزه داشت (حبلی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۶۷/۳) و خداوند به پاس فداکاری او دو بال به او عطا کرد که در بهشت هرجا مایل باشد، پرواز کند (ابی مخنف، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۱۷۶، صدوق، ۱۴۰۳، طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). استقامت و پایداری جعفر در برابر دشمن تا حدی بود که جلو بدن او زخم های بسیاری برداشته بود. در گزارش ها چهل زخم، پنجاه زخم (که ۲۵ زخم بر صورتش بوده است)، شصت زخم، هفتاد زخم، هفتاد و دو زخم و نود زخم ذکر شده است (ر.ک.، عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۲/۲۰-۱۴، بخاری، ۱۹۸۱، ۱۸۶/۵، ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۵۵/۸، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۲/۲۷).

۳-۶. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت جعفر طیار و سنت اطعام به خانواده معزا

شهادت جعفر بن ابی طالب علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار جان کاه و غم انگیز بود به گونه ای که برابری می کرد با فرح و شادمانی که برای حضرت هنگام بازگشت جعفر از



حبشه حاصل شد. برپایه گزارش ها، زمانی که خبر شهادت جعفر به ایشان رسید، رقت قلب و تأثر عمیقی در وجودش پدید آمد و با حزن و اندوه تمام در این مصیبت عظیم گریه می کرد و اشک می ریخت. (ابن کثیر، ۱۳۶۹، ۸۳۵/۳، ابن اثیر، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۸۹/۸، طبرانی، بی تا، ۴۴/۲۴) پیامبر ﷺ پس از شنیدن این خبر اندوهناک به خانه جعفر رفت و فرزندان او را در آغوش گرفت و آنها را می بویید و اشک شدید از چشمانش جاری بود. وقتی اسماء، همسر جعفر، این وضعیت را دید و دانست که همسرش جام شهادت نوشیده است فریادش بلند شد و چنان ناله زد که زن ها دورش جمع شدند. بی تابی اسماء به حدی بود که بی اختیار بر سر و صورت می زد و سخنانی دور از شأن بر زبان جاری می کرد. از همین رو، رسول خدا ﷺ به او فرمود: «یا اسماء، لا تقولی هجراً، ولا تضری صدراً» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۲۰/۸). پیامبر اکرم ﷺ پس از آن وارد خانه دخترش حضرت فاطمه علیها السلام شد و شنید که دخترش چنین فریاد می زند: «وا عماء!». حضرت فرمود: «علی مثل جعفر فلتبکی البکیه» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۴۰/۲۰، واقعی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷۶۶/۲، ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۸۲/۸، صنعانی، المصنف، ۱۳۹۰، ۵۵۰/۳، طبرسی، ۱۳۸۶، ۱۷۲/۸).

از امام سجاد ﷺ نقل شده است که هیچ روزی مثل جنگ احد و جنگ مؤته بر پیامبر اکرم ﷺ سخت نگذشت. در احد، حمزه ﷺ را از دست داد و در مؤته، جعفر به شهادت رسید. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۴۰/۲۰، ابی مخنف، ۱۳۹۸ هـ.ق، صدوق، ۱۴۱۷ هـ.ق) از این رو، هرگاه پس از شهادت جعفر، امام علی ﷺ را مأموریتی می داد این آیه را تلاوت می کرد: «وَذَكِّرْ بِإِذْنِ رَبِّكَ إِذْ نَادَى رَبُّكَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء، ۸۹) (مسعودی، ۱۹۶۵، ۴۲۴/۲). رسول خدا ﷺ خانواده جعفر را با پاداشی که خداوند به او عطا کرده بود، تسکین می داد و می فرمود: «پس از این برای برادرم گریه نکنید. خداوند به او دو بال عطا کرده است که هر جای بهشت بخواهد، پرواز کند» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۲۴۴/۱، نسایی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۱۸۲/۸، ابوداود، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۸۸/۲) و دستور داد که تا سه روز به خانواده جعفر غذا دهند و پس از آن اطعام به خانواده متوفی به صورت یک سنت باقی ماند (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۴۰/۲۰).

۴. ارزیابی دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

در بخش پایانی، تحلیل و ارزیابی کوتاهی از دیدگاه علامه جعفر مرتضی عاملی ﷺ درباره جعفر طیار ﷺ صورت می گیرد. اهمیت این مسئله از آن روست که تاکنون از سوی محققان

بررسی و نقدی در این زمینه انجام نشده است. اگرچه مجال ارزیابی تفصیلی در اینجا وجود ندارد، نکاتی طی دو محور ارائه می‌شود.

۴-۱. نقاط قوت دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

اول) ارائه تحلیل قوی و جامع از مسئله؛ مرحوم عاملی مانند دیگر مسائل و مباحث تاریخی، دقت‌های فراوانی به این موضوع داشته و تحلیل جامع و منسجمی ارائه کرده است که در پژوهش‌های پیش از آن به چشم نمی‌آید. قوت تحلیل‌ها درباره یک مسئله تاریخی از سویی و انسجام و هم‌پوشانی آنها از سوی دیگر، نقطه قوتی است که در کمتر پژوهش‌هایی دیده می‌شود. پیوستگی تحلیل‌ها در موضوعاتی مانند سبقت در ایمان، هجرت واحد به حبشه به سرپرستی جعفر طیار، موقعیت‌شناسی و نکته‌سنجی جعفر در مجلس نجاشی، دستاوردی مهم‌تر از فتح خیبر، فرماندهی اول در جنگ مؤته، کیفیت شهادت جعفر، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او و پایه‌گذاری سنت اطعام در شهادتش، از وی شخصیتی با ویژگی‌های ممتاز و الگویی ترسیم کرده است.

دوم) ارائه تحلیل‌های جدید؛ افزون بر جامعیت و انسجام تحلیل‌ها برخی از آنها به صورت بدیع ارائه شده است. برای نمونه، از دیرباز مورخان بر این عقیده بوده‌اند که هجرت به حبشه دو بار رخ داده است، اما علامه، این تلقی را به چالش می‌کشد و با استفاده از شواهدی که در متن نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به نجاشی وجود دارد، معتقد است یک هجرت واقع شده است. نمونه دیگر، مقایسه دستاورد جعفر با فتح خیبر است که با نگاه به زوایایی جدید به این مسئله پرداخته و برتری آن نسبت به فتح خیبر ثابت شده است.

سوم) تأثیرناپذیری از مشهورات؛ با وجود شهرت تاریخی برخی مسائل درباره جعفر طیار مانند هجرت دوگانه مسلمانان به حبشه و تقدم فرماندهی زید در جنگ مؤته، اما علامه بدون تأثر از چنین مشهوراتی، مجموع گزارش‌ها، شواهد و قراین را ملاک تحلیل و اظهار نظر قرار داده است. از همین رو، به نتایج متفاوتی با نگاه مشهور دست یافته است. رعایت این مسئله در پژوهش‌های تاریخی، اصلی مهم است که نشانه حریت فکری پژوهشگر از سویی و رعایت روشمندی پژوهش تاریخی از سوی دیگر است.

چهارم) عدم تحمیل باورها و پیش‌فرض‌های کلامی بر تحلیل‌ها؛ علامه مرتضی عاملی

باوجود ارائه تحلیل‌های مبتنی بر شواهد و قراین فراوان از گزاره‌ها و ادله کلامی استفاده نکرده است، البته در تحلیل سخن پیامبر اکرم (ص) در مقایسه دستاورد جعفر طیار و فتح مکه به آیه سوم سوره نجم استناد نموده (ر.ک.، عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق. ۱۴۰/۲۰) که ممکن است موهم نگاه کلامی ایشان باشد. این استناد فقط برای اثبات درستی سخن پیامبر (ص) صورت گرفته که براساس واقع و خارج از هرگونه هوی و هوس است. چنین نگاهی به‌طور لزوم، کلامی به‌شمار نمی‌آید؛ زیرا صدق سخن رسول خدا (ص) بنیان تاریخ عصر نبوی است.

۴-۲. نقاط قابل تأمل دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

اول) عدم توجه به برخی شواهد در تحلیل‌ها: با نگاه جامع و همه‌جانبه مرحوم عاملی در تجمیع شواهد و قراین، به‌نظر می‌رسد برخی شواهد مورد توجه قرار نگرفته است. ازجمله در بحث وجوب صیام، برخی منابع فاقد عبارت الصیام است که اصل اشکال وجوب صیام در پیش از هجرت را با تردید مواجه می‌کند، اما در بیان علامه به آن توجه نشده است. همچنین در بحث فرمانده اول در جنگ مؤته، شیوه مبارزه جعفر طیار و مقایسه آن با زید می‌تواند یکی از شواهد بر فرماندهی اول جعفر باشد که به‌طور واضح به آن اشاره نشده است. دوم) عدم دقت در انتساب برخی گزارش‌ها: مرحوم علامه در بحث اولین فرمانده جنگ مؤته شواهدی را مبنی بر فرماندهی جعفر در قالب امیر کل سپاه مطرح کرد و در نقل از کتاب الاحتجاج سخنی را به امام حسن (ع) نسبت داده که در مقام محاجه با معاویه، جعفر را اولین فرمانده نام برده است. درحالی‌که گوینده این سخن، عبدالله بن عباس بوده که در حضور امام حسن (ع) و در خطاب به معاویه بیان شده است.

۵. نتیجه‌گیری

علامه جعفر مرتضی عاملی (ع) برخلاف دیگر محققان، نگاه نقادانه بیشتری نسبت به داده‌های تاریخی درباره جعفر بن ابی طالب (ع) دارد و با معیارهای روش تاریخی، به نقد و بررسی گزارش‌ها می‌پردازد. از همین رو، هیچ‌گاه مرعوب شهرت‌های تاریخی قرار نمی‌گیرد و هرگاه تجمیع شواهد و قراین علیه مشهورات باشد به راحتی آنها را به چالش می‌کشد. رویکرد نظام‌مند او و بررسی تمام عناصر مرتبط با این موضوع موجب شده است که از

حضرت جعفر طیار علیه السلام شخصیت منسجم، تأثیرگذار و هدف‌دار ارائه کند. یافته‌هایی که از تحلیل‌های او به دست می‌آید به نوعی بدیع به نظر می‌رسد. تأکید بر پیشگامی جعفر طیار در اسلام در قالب دومین مرد پس از امام علی علیه السلام و بیان چرایی برشمردن جعفر در میان متأخران در اسلام در برخی نقل‌ها، هجرت به حبشه که بهترین گزینه برای سرپرستی و تدبیر امور مهاجران بود، ایجاد تحول بنیادین روحی و فکری در مجلس نجاشی با بیان اقدامات فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله، زمینه‌سازی گسترش فرهنگ اسلام در آن دیار با استفاده از ایمان راسخ و قدرت بیان و بصیرت نافذ، تبیین جایگاه معنوی و شخصیتی جعفر طیار در نگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و نقش فرماندهی اول در جنگ مؤته از یافته‌هایی است که در دیدگاه علامه تبلور یافته است. برخی تأملات مانند دستیابی به شواهد بیشتر و دقت در انتساب سخنی به ابن عباس (به جای امام حسن علیه السلام) نیز وجود دارد که در تحلیل‌های علامه به آنها توجه نشده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ه.ق). شرح لایع البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳. ابن ابی جمهور احسایی (۱۴۱۰ ه.ق). الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه. قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه.
۴. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). المصنف. بیروت: دارالفکر.
۵. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۳۲ ه.ق). المغازی. محقق: عبدالعزیز عمری. ریاض: دارالاشبیه.
۶. ابن اثیر جزیری، علی بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دارالفکر.
۷. ابن تیمیہ حرانی، احمد (۱۴۰۶ ه.ق). منهاج السنه النبویه. محقق: محمد رشاد سالم. قرطبه: مؤسسه قرطبه.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). الاصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابن حبیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام. محقق: حسنی جلالی، محمدحسین. قم: جامعه مدرسین.
۱۰. ابن سعد (۱۴۰۵ ه.ق). الطبقات الکبری. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. ابن سید الناس (۱۴۱۴ ه.ق). عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر. بیروت: دارالقلم.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰). جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع. قم: دارالرضی.
۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۰ ه.ق). طرف من الانباء و المناقب. محقق: قیس عطار. مشهد: تاسوعا.
۱۵. ابن عساکر (۱۴۱۵ ه.ق). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
۱۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۳۶۹). السیره النبویه. محقق: مصطفی عبدالواحد. بیروت: دارالمعرفه.
۱۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۷ ه.ق). البدایه و النهایه. بیروت: دارالفکر.
۱۸. ابن هشام (بی تا). السیره النبویه. محقق: مصطفی السقا، ابراهیم الایاری، و عبدالحفیظ شلیبی. بیروت: دارالمعرفه.
۱۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). مقاتل الطالبیین. محقق: سید احمد صدر. بیروت: دارالمعرفه.



١٩. أبي داوود، سليمان بن اشعث (١٤١٠هـ ق). سنن أبي داود. بيروت: دار الفكر.
٢٠. أبي مخنف، لوطين يحيى (١٣٩٨هـ ق). مقتل الحسين عليه السلام. قم: المطبعة العلمية.
٢١. أحمد بن حنبل (١٢٢٩هـ ق). مسند. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٢. بخاري، محمد بن اسماعيل (١٩٨١). صحيح البخاري. بيروت: دار الفكر.
٢٣. بيهقي، أحمد بن حسين (١٤٠٥هـ ق). دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٤. حلي، علي بن برهان (١٤٠٥هـ ق). السيرة الحلبية (الانسان العيون في سيرة الامين المأمون). بيروت: دار المعرفة.
٢٥. حميري، عبدالله بن جعفر (١٤١٣هـ ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٢٦. سليم بن قيس هلالى (١٤٠٥هـ ق). كتاب سليم بن قيس الهلالي. محقق: انصاري زنجاني، محمد. قم: الهادي.
٢٧. شرف الدين، عبدالحسين (١٢٤٤هـ ق). النص والاجتهاد. قم: ابومجتي.
٢٨. شريف رضى، محمد بن حسين (١٤١٣هـ ق). نهج البلاغه. محقق: صبحي صالح. قم: هجرت.
٢٩. صالحى شامى، محمد بن يوسف (١٤١٤هـ ق). سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد. بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٠. صدوق، محمد بن علي (١٣٨٥). علل الشرايع. نجف: مكتبة الحيدرية.
٣١. صدوق، محمد بن علي (١٤٣٢). النضال. قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابع لجماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
٣٢. صدوق، محمد بن علي (١٢٤٤هـ ق). عيون اخبار الرضا عليه السلام. بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.
٣٣. صدوق، محمد بن علي (١٤١٧هـ ق). امالي. قم: مؤسسة البعثة.
٣٤. صنعاني، عبدالرزاق (١٣٩٠). المصنف. بيروت: المجلس العلمي.
٣٥. طبراني، سليمان بن احمد (بي تا). المعجم الكبير. بيروت: دار احياء التراث العربي.
٣٦. طبرسي، فضل بن حسن (١٣٨٦). الاحتجاج لابي منصور احمد بن علي بن ابي طالب الطبرسي. نجف: دار النعمان.
٣٧. طبرسي، فضل بن حسن (١٤١٧هـ ق). اعلام الوري باعلام الهدى. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٣٨. طبري، محمد بن جرير (١٣٨٧). تاريخ الامم والملوك. محقق: محمد ابو الفضل ابراهيم. بيروت: دار التراث.
٣٩. طوسي، محمد بن حسن (١٣٨٢). تلخيص الشافعي. محقق: بحر العلوم، حسين. قم: محبين.
٤٠. طوسي، محمد بن حسن (١٤١٤هـ ق). الامالي. قم: دار الفقيه.
٤١. عاملي، جعفر مرتضى (١٤٢٦هـ ق). الصحيح من سيرة النبي الاعظم. قم: دار الحديث.
٤٢. عاملي، محسن امين (١٤٠٣). اعيان الشيعة. بيروت: دار المعارف.
٤٣. قمي، علي بن ابراهيم (١٣٦٧). تفسير قمي. محقق: موسوى جزائري، طيب. قم: دار الكتاب.
٤٤. مجلسي، محمد باقر (١٤٢٣هـ ق). زاد المعاد، مفتاح الجنان. محقق: اعلمى، علاء الدين. بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.
٤٥. مسعودي، علي بن حسين (١٩٦٥). مروج الذهب ومعادن الجوهر. بيروت: دار الاندلس.
٤٦. نسائي، أحمد بن شعيب (١٣٣٨هـ ق). سنن النسائي. بيروت: دار الفكر.
٤٧. والقدى، محمد بن عمر (١٤٠٩هـ ق). المغازي. محقق: مارسدن جونس. بيروت: مؤسسة الاعلمي.
٤٨. يعقوبي، أحمد بن واضح (بي تا). تاريخ اليعقوبي. بيروت: دار صادر.